



بررسی علل و عوامل وقوع قتل در جنوب استان کرمان

الهه کمالی پور راوری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۱

چکیده

قتل به معنای پایان دادن به حیات انسان‌ها است که اگر به صورت عمدی به وقوع بپیوندد، یکی از مهم‌ترین عواملی است که امنیت فردی و اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد و خسارت‌های مادی و معنوی فراوانی را به جامعه وارد می‌سازد. بنابراین، با توجه به تأثیر روانی قتل در جامعه، و متزلزل کردن امنیت جامعه و تعدی و تجاوز به عزیزترین ودیعه‌ی الهی محقق بر آن شد تا تحقیقی در خصوص علل و عوامل موثر بر وقوع قتل‌های عمدی در محدوده مکانی جنوب استان کرمان در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ انجام دهد.

روش استفاده در این تحقیق روش کتابخانه‌ای و استفاده از اسناد موجود برای مشخص شدن آمار تعداد قتل‌ها در این سال‌ها متمادی می‌باشد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که تعداد آمار قتل‌ها از سال ۱۳۹۰ تا سال ۱۳۹۳ سه برابر شده است و این امر نشان دهنده این مطلب است که عوامل و انگیزه‌های متعددی در وقوع این حادثه دخیل می‌باشند و مهم‌ترین آن‌ها: مصرف مشروبات الکلی، دسترسی آسان به سلاح‌های گرم و تعصبات قومی، طایفه‌ای، فامیلی و مذهبی است. اما با این وجود فرصت‌ها و پتانسیل‌های بسیار مناسبی برای حل چنین مسائلی در این منطقه وجود دارد که تنها با راهکارهایی همچون پلیس و مشارکت‌های مردمی قابل حل و فصل می‌باشد.

کلید واژه: امنیت، پلیس، قتل عمد، عوامل ایجاد قتل.

۱- کارشناسی ارشد جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۰۹۱۳۳۹۵۹۲۶۰



با تشکیل اجتماعات بشری، همواره بزه‌کاری به عنوان پدیده‌ای عادی، بهنجار و اجتناب ناپذیر در کنار سایر پدیده‌های اجتماعی وجود داشته است. جامعه‌ای که افراد آن همواره به حقوق و ارزش‌های حاکم بر جامعه احترام می‌گذارند و جرم و جنایت در آن ارتکاب نیابد، جز جامعه‌ای فاضله در خواب و خیال نیست. انسان‌ها به محض اینکه به دور یکدیگر جمع شدند، راضی شدند که با از دست دادن مقداری از آزادی خود امنیت فردی را به دست آورند. اما همیشه افرادی وجود دارند که این مهم را زیرپا گذاشته و به دیگران و حقوق آن‌ها تجاوز و تعرض می‌کنند، یکی از هولناک‌ترین این تجاوزات و تعرضات، قتل است که به رغم وضع قوانین مختلف برای پیشگیری از وقوع این جرم، گریبان‌گیر تمام جوامع بوده است.

مسائل مالی، سلیقه، جنون آنی، رفتارهای جنسی نامتعارف، خشونت، دشنام و ناسزاگویی و حتی دوست داشتن و احساس تعلق داشتن از عواملی است که هر روز به عنوان انگیزه‌های قتل در حوادث روزنامه‌ها درج می‌گردد. اگر چه علل و نمودهای ظاهری چنین منازعاتی به تبعیت از تغییرات اجتماعی متحول شده است و ما امروزه شاهد قتل‌های کمتری هستیم. اما باز هم استان کرمان به ویژه جنوب آن به لحاظ وقوع تعداد درگیری‌های جمعی با (۳۱/۴ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر) رتبه اول و به لحاظ وقوع قتل نفس با (۴/۱ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر) در این نزاع‌ها، رتبه دوم را در بین استان‌های کشور به خود اختصاص داده است. (میر فردی، ۱۳۹۰: ۲۰). از این رو ما در این تحقیق بر آن شدیم تا این عوامل را در حد امکان مورد شناسایی قرار دهیم.

آنچه که بر ضرورت این تحقیق می‌افزاید این مطلب است که در جوامع امروزی که نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی شدت زیادی دارد، ارزش‌های مشترک بین افراد با تضعیف جدی روبه رو می‌شوند. در این وضعیت تهاجمی و اعتماد به نفس پایین افراد، محرک‌هایی مانند الکل و مواد مخدر سبب تشدید اختلافات میان مردم می‌گردد و در نتیجه سبب قتل‌ها را فراهم می‌گرداند. بنابراین از آنجایی که چنین قتل‌هایی امنیت اجتماعی را به خطر می‌اندازند محقق بر آن شد تا علل و عوامل دخیل در آن را بررسی نماید تا به گونه‌ای بتوانیم از وقوع این قتل‌ها جلوگیری نماییم.



سوالات تحقیق

- ۱- آیا وراثت تأثیری بر وقوع جرائم در جنوب استان کرمان دارد؟
- ۲- آیا دسترسی سریع به سلاح‌های غیر مجاز می‌تواند در بروز این قتل در جنوب استان کرمان موثر است؟
- ۳- آیا مؤلفه‌های اقتصادی بر گسترش جرائم خشن در جنوب استان کرمان موثرند؟
- ۴- آیا عوامل محیطی و بیرونی در بروز قتل در جنوب استان کرمان تأثیر گذار است؟

فرضیات تحقیق

- ۱- به نظر می‌رسد که عامل وراثت به طور غیر مستقیم بر وقوع این قتل در جنوب استان کرمان تأثیر گذار باشد.
- ۲- به نظر می‌رسد بروز جرائم خشن روی درگیری‌های جمعی و نتایج ناخواسته‌ی آن نظیر قتل تأثیر گذار باشد.
- ۳- به نظر می‌رسد عامل اقتصادی به صورت غیر مستقیم بر گسترش قتل در جنوب استان کرمان تأثیر گذار است.
- ۴- به نظر می‌رسد که عوامل محیطی و بیرونی در بروز قتل در جنوب استان کرمان به طور مستقیم تأثیر گذار هستند.

مفاهیم و پیشینه تحقیق

قتل: قتل به سه نوع اصلی تقسیم می‌شود، که عبارتند از: قتل عمد، قتل شبه عمد، قتل خطایی.

قتل عمد: قانون مجازات اسلامی، در باب قتل عمد فاقد تعریف صریح است در نتیجه در خصوص تعریف قتل عمدی باید به تعریف فقها و حقوق دانان مراجعه شود. در شرح لمعه چنین آمده است: موجب قصاص عبارت است از خارج کردن جان معصوم و برابر از تنی، عمدا و به نا حق. (شرح لمعه، ۱۳۹۰، جلد دهم، ۶) و از دیدگاه حقوق دانان، قتل عمد عبارت است از سلب غیر قانونی حیات با قصد ابتدایی یا تبعی به وسیله فعلی که بالمباشره یا بالتسبیب علیه شخص مورد نظر واقع شده باشد. (صادقی، ۴۰، ۱۳۷۶)

از تعاریف گوناگون که از سوی حقوق دانان و فقها برای قتل بیان شده است چنین می‌توان استنباط کرد که قتل، خارج کردن روح از بدن انسان توسط انسان دیگر است (شیرزاد، ۱۰۲، ۱۳۹۰).





قتل شبه عمد: مانند عمد، خارج کردن روح از بدن توسط انسان دیگر وجود دارد با این تفاوت که در این حالت قصد کشتن وجود ندارد بدین معنا که شخص قصد فعل را دارد اما قصد نتیجه انجام شده را ندارد.

قتل خطایی: در این مورد، شخص نه قصد فعل و نه قصد نتیجه انجام شده را ندارد مانند آنکه تیری را به قصد شکار رها کند و به انسانی برخورد کند.

سایر تقسیم بندی قتل

- قتل‌های ناموسی: بر اساس آمار صندوق جمعیت سازمان ملل، سالانه حدود ۵۰۰۰ زن در قتل‌های ناموسی به دست خویشان و نزدیکان خود کشته می‌شوند. این قتل‌ها بیشتر در جوامع بسته و سنتی که با محدودیت و کنترل زنان مشخص می‌شوند رخ می‌دهد و به میزان زیادی با روحیه جمع‌گرایی، عصبیت و ناموس پرستی ارتباط دارد (غلامی، ۱۳۹۰: ۳۴).

- قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) و قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) در دو مورد سبب افزایش این گونه قتل‌ها را فراهم گردانیده‌اند.

ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری منجی علیه نباشد».

ماده ۶۳۰ قانون تعزیرات: «هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا، با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آن‌ها را به قتل برساند».

- قتل‌های تعارض آمیز مالی: مال چه از نوع منقول و چه از نوع غیر منقول همواره موضوع دعاوی حقوقی و کیفری بسیاری بوده است. بروز اختلافات و ناسازگاری میان افراد بر سر اموال با توجه به جایگزینی ارزش‌های دینی و اخلاقی، رو به افزایش گذاشته است و همگام با این روند، بروز خشونت‌های تعارض آمیز و بر سر مال نیز سیر صعودی یافته است که گاهی سبب قتل و حذف فیزیکی یکی از طرفین توسط دیگری شده است (شیرزاد، ۱۳۸۷: ۵۳).



- قتل‌های تعارض آمیز مواجهه‌ای (نزاع): در این گونه قتل‌ها معمولاً تعارض در طول زمان پدید نمی‌آید و قاتل و مقتول رابطه‌آشنایی، خانوادگی یا فامیلی چندانی با یکدیگر ندارند بلکه بیشتر غریبه‌هایی هستند که خواسته و ناخواسته و عمدتاً به صورت تصادفی در مجاورت یکدیگر قرار گرفته‌اند و بروز یک تعارض کوچک میان آن‌ها سبب درگیری



لفظی یا جسمی و در نهایت قتل می‌گردد.

در قتل‌های تعارض آمیز مواجهه‌ای، سه عامل عینی منجر به تشدید درگیری و تبدیل آن‌ها به قتل می‌شود.

الف- افزایش خشونت تابی نهایت: این گونه قتل‌ها دارای ۴ مرحله هستند:

- ۱- خطا: شخص ابتدا قاعده‌ای را نقض یا ایجاد مزاحمت می‌کند.
 - ۲- هشدار: دشنام دادن، تقاضای عذرخواهی کردن، سرزنش کردن و یا تهدید کردن.
 - ۳- تشدید: اصرار شخص اول بر توهین و خطای خود و خودداری از عذرخواهی کردن.
 - ۴- گلاویز شدن: درگیری فیزیکی، ضرب و جرح و در نهایت مرگ یکی از طرفین.
- ب- وجود میانجی گر یا مداخله گر: حضور شخص ثالث در جریان درگیری از اهمیت خاصی برخوردار است در صورتی که ثالث، طرفین را به صلح و سازش دعوت کند بی‌تردید مشاجره و درگیری آرام‌تر می‌شود و الا اگر شخص میانجی، سبب افزایش درگیری شود، نزاع نتایج مرگباری خواهد داشت.
- ج- نابرابر شدن قدرت: بودن وسیله یا ابزاری کشنده در اختیار یکی از طرفین، سبب برهم خوردن تعادل قدرت میان آن‌ها و افزایش احتمالی قدرت طرفی که دارای وسیله است خواهد شد و همین امر روند درگیری را تشدید و احتمال وقوع قتل را افزایش خواهد داد (خلعتبری، ۱۳۸۶: ۴۴).

در واقع دسترسی آسان به سلاح تأثیر فوق‌العاده‌ای بر وقوع قتل‌های عمدی دارد (شیرزاد، ۱۳۹۰: ۹۷).

ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) اعلام می‌دارد: «هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

این گونه قتل‌ها را می‌توان به دو دسته‌ی نزاع فردی و نزاع دسته‌جمعی تقسیم نمود که هر دوی آن‌ها ممکن است بدون مقدمه و اختلاف قبلی و یا با انگیزه‌ی اختلاف قبلی به وقوع بپیوندد.

ماده ۶۱۵ قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) بیان می‌دارد: «هر گاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شوند:

- ۱- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک سال تا سه سال.
- ۲- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال.





۳- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال». این گونه قتل‌ها به کرات در جنوب استان کرمان به وقوع می‌پیوندد نمونه‌ی بارز این قتل‌های مواجهه‌ای، قتل جوانی جیرفتی است که به دلیل درگیری لفظی بین شرکت کنندگان در نزاع رخ داده است و قاتل آن تحت پیگرد قانونی است، در حالی که اگر این جوانان به راحتی و به سرعت به اسحله دسترسی نداشتند قتل این جوان نیز امکان نداشت. قتل‌های تعارض آمیز خانوادگی: قتل‌های تعارض آمیز خانوادگی به دو دسته تقسیم می‌شوند: الف- قتل‌های زناشویی ب- قتل‌های فامیلی

قتل‌های زناشویی: زنان و مردان ممکن است به دلایل مختلفی همسران خود را به قتل برسانند که علت آن‌ها می‌تواند به شرح ذیل باشد:

۱- حسادت و احساس تملک: می‌توان علت اصلی قتل‌های زناشویی را احساس تملک جنسی مرد به زن یا حسادت او دانست. از آنجایی که مرد احساس نوعی تملک و حق انحصاری بر همسرش دارد او را به خاطر ترک منزل، تقاضای طلاق و... به طریق فیزیکی حذف می‌کند تا نتواند با فرد دیگری رابطه برقرار کند.

۲- مراقبت و سواس گونه: رفتار مالکانه مردان با همسرانشان و مراقبت و سواس گونه از آن‌ها و تلاش برای تسلط کامل بر زنان توسط مردان از اولین نشانه‌های ظهور و خامت در روابط زناشویی است. هر چه مرد موانع آزادی زن را بیشتر کند این اختلاف و تعارض رفته رفته شدیدتر شده و در نهایت منجر به بروز خشونت‌های شدیدتر که در هر صورت ادامه این روند و عدم مداخله‌ی عاملی خارجی باعث بروز قتل یکی از زوجین خواهد بود.

۳- وجود اختلاف سنی: اختلاف سنی غیر متعارف میان زن و شوهر می‌تواند مشکلات عدیده‌ای را در خانواده به وجود آورد. این اختلاف سنی در صورت تبدیل شدن به روابط آزاد طرفین با دیگران خارج از علقه‌ی زوجیت می‌تواند موجبات مرگ او را به دست همسر فراهم آورد (خلعتبری، ۱۳۸۶: ۴۷، ۴۴).

قتل‌های فامیلی: اولین قتل در تاریخ یعنی قتل هابیل توسط قابیل در کانون خانواده رخ داده است، در نتیجه وجود رابطه‌ای نزدیک میان افراد خانواده هیچ گاه مانع از کشته شدن آن‌ها به دست یکدیگر نیست. نمونه‌های زیادی از پدر کشی و مادر کشی در کانون خانواده مشاهده می‌گردد که ممکن است دلایل متعددی داشته باشند.

شیوه‌های ارتکاب قتل عمدی: آگاهی و اطلاع از روش‌هایی که قاتلان برای ارتکاب قتل استفاده می‌کنند، سبب یاری رساندن در کشف قتل توسط بازپرسان می‌شود.



متداول‌ترین روش‌های موجود در ارتکاب قتل به شرح زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

الف- سلاح گرم: این قتل‌ها از نظر امنیتی و جنایی حساسیت زا هستند و توجه مردم و مسئولان را به خود جلب می‌کند. این روش به شرایط اجتماعی، فرهنگی و محلی و میزان دسترسی قاتل به سلاح بستگی دارد.

ب- سلاح سرد: هر جسمی غیر از سلاح گرم که قدرت کشتن انسان را داشته باشد، سلاح سرد اطلاق می‌شود؛ مثل چاقو، دشنه، بیل، کلنگ، دیلم، باتوم، لوله و...

ج- خفگی: انسداد مجاری هوایی منجر به وقوع مرگ را اصطلاحاً خفگی می‌گویند. مثل خفگی در آب، خفگی در اثر استنشاق گازهای سمی، خفگی در اثر فشار وارده به قفسه سینه، خفگی در اثر انسداد مجاری هوایی با دست، ریسمان و چپاندن جسم خارجی در حلق و گلو.

کثرت استفاده از انسداد مجاری هوایی با دست و ریسمان نسبت به سایر روش‌های خفگی بیشتر است.

د- مسموم کردن: سم هر گونه عاملی است که اگر به مقادیر کم وارد بدن انسان یا حیوان گردد اثر بیمار کننده یا کشنده داشته باشد. ارتکاب قتل از طریق مسموم کردن مقتول از روش‌های مورد استفاده زنان می‌باشد.

ه- سوزاندن: سوزاندن فرد به قصد قتل و از بین بردن و سلب حیات او شیوه‌ای زجرآور و وحشتناک است که ریشه در درنده خویی و بی رحمی قاتل دارد و چندان رایج نیست و اغلب سوزاندن جسد یا محل ارتکاب جرم توسط قاتل به منظور از بین بردن آثار علایم و مدارک جرم و یا از بین بردن هویت مقتول برای جلوگیری از شناسایی هویت و دستگیری قاتل صورت می‌گیرد (افتخارزاده، ۱۳۷۷: ۲۳).

و- سایر روش‌ها: اتصال برق به بدن قربانی، پرتاب از بلندی، کوبیدن طفل بر زمین، زنده به گور کردن، پرتاب نارنجک و مواد منفجره، انداختن در چاه از شیوه‌های مورد استفاده قاتلین ایرانی برای کشتن قربانیان بوده است (پرویزی، ۱۳۷۹: ۸۴-۸۸ و ۸۹-۹۷).

علل و عوامل موثر در قتل

واکنش انسان متناسب با ساختار شخصیتی وی و ناشی از تأثیرات عوامل درونی و محیط بیرونی یعنی سه عنصر جسم، روان و اجتماع می‌باشد. بنابراین پدیده بزه‌کاری به مثابه یک عمل انسانی، معلول عواملی است که ریشه آن‌ها در شخصیت روانی، ویژگی‌های جسمی



و یا در محیط زندگی او می‌باشد.

عوامل جسمی فردی

عوامل فردی به مجموعه عواملی که در ارتباط با ویژگی‌ها و خصوصیات جسمی و روانی انسان می‌باشد اطلاق می‌گردد (نجفی توانا، ۱۳۹۳: ۱۷۳).

پیشینه تحقیق

در خصوص وضعیت این گونه جرائم در جنوب استان کرمان تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته است:

- صباحی، معین. (۱۳۹۱): «بررسی و تحلیل علل وقوع جرائم خشن در جنوب استان کرمان سال ۱۳۹۱» که ایشان بیان داشت: این پژوهش به بررسی علل و عوامل مرتبط بر بروز جرائم خشن در جنوب استان کرمان از دیدگاه کارشناسان می‌پردازد. در تعریف جرم خشن اظهار نظرهای زیادی وجود دارد، عده‌ای بر این باورند که مواردی چون قتل یا سرقت مسلحانه مصادیق عمده جرم‌های خشن هستند و عده‌ای دیگر معتقدند که علاوه بر این موارد باید تمامی جرائم جنسی را نیز در زمره جرم‌های خشن محسوب نمود. منظور از جرائم خشن در این پژوهش شامل جرائمی همچون: قتل، سرقت‌های مسلحانه، سرقت به عنف، باج‌گیری و زورگیری، جرائم خشن جنسی، خشونت‌های خیابانی، آدم‌ربایی و سایر جرائمی می‌باشد که همراه با خشونت انجام گرفته باشد. اینکه اساساً چرا جرائم خشن در جامعه روی می‌دهد؟ و انگیزه افراد از ارتکاب آن چیست؟ چه تغییرات و تحولاتی در جامعه ایجاد شده که بستر وقوع و افزایش این نوع از جرائم در جامعه فراهم شده؟ و چگونه و با استفاده از چه راه کارها و شیوه‌های می‌توان بصورت علمی و عملیاتی کاهش وقوع این دسته از جرائم در جامعه اقدام نمود؟ سوالاتی است که این پژوهش با نظرسنجی از ۲۷۴ نفر از مدیران و مسئولین و کارشناسان بخش‌های انتظامی؛ امنیتی، حقوقی و قضایی و پژوهشگران و محققین و مسئولین امنیتی فرمانداری‌ها در جنوب استان با استفاده از ابزار پرسشنامه بدنبال پاسخگویی به آن‌ها بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که به ترتیب الویت مؤلفه‌ها و عوامل اقتصادی با درصد تأثیر ۱۱/۸۷ درصد، عدم توجه مسئولین و عدم کارآمدی لازم فعالیت‌های دستگاه‌های اجرایی با ۱۱/۴۴ درصد، مؤلفه و عوامل اجتماعی با ۱۱/۳۶ درصد، عوامل محیطی و دوستان با ۱۱،۰۳ درصد، مؤلفه‌ها و عوامل انتظامی با ۱۱/۰۴ درصد، مؤلفه‌ها و عوامل خانوادگی با





ضریب ۱۰/۹۶ درصد، عوامل و مؤلفه‌های فرهنگی با ۱۰/۸۶ درصد، مؤلفه‌های و عوامل قضایی و حقوقی با ۱۰/۷۵ درصد و مؤلفه‌ها و عوامل اقلیمی و جغرافیایی با ۱۰/۶۸ درصد بیشترین تأثیر را در وقوع جرائم خشن در جنوب استان داشته‌اند.

- پایدار کلسنگ، ابوذر. (۱۳۹۳): «واکاوی نقش معتمدین طوایف در تأمین امنیت پایدار مناطق جنوب استان کرمان» ایشان بیان می‌دارد؛ یکی از چالش‌های امنیتی در کشور ایران، درگیری‌های جمعی در مناطقی است که به لحاظ اجتماعی ساختار طایفه‌ای و عشیره‌ای دارند و به دلیل وقوع نزاع‌های جمعی و درگیری‌های طایفه‌ای، گاهی گستره ناامنی در آن‌ها زیاد می‌شود. نظام معتمدی که تا اوایل دهه ۱۳۴۰ نقش زیادی بلحاظ پیشگیری و حل نزاع‌های طایفه‌ای و در نتیجه تأمین امنیت در چنین فضاها جغرافیایی داشته است. در سالیان اخیر در معرض تحولاتی قرار گرفته است بطوری که چنین تحولاتی؛ تأثیراتی مستقیم بر وضعیت امنیتی مناطق مذکور داشته است. در اینجا این سوال مطرح می‌شود که نظام طایفه‌ای و معتمدی جنوب کرمان دارای چه ساختاری بوده و چه تحولاتی تاکنون در آن رخ داده است؟ در این راستا هدف تحقیق حاضر؛ بررسی ساختار طایفه‌ای- فامیلی و نقش نظام معتمدی در تأمین امنیت پایدار منطقه جنوب کرمان می‌باشد. نتایج تحقیق نشان داد ساختار طوایف و فامیل‌ها در حال بازتولید می‌باشد بگونه‌ای که در بخش زیادی از منطقه ساختار طایفه‌ای کمرنگ شده در حالیکه در بخشی دیگر همواره پررنگ است. در مجموع امروزه نیز ساختار طایفه‌ای در ابعاد سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار است. همچنین نتایج حاصل از تحلیل‌های کمی نیز نشان داد کیفیت عملکرد نیروی انتظامی و دستگاه قضایی، و نیز ضعف ارزش‌های اجتماعی در بین بعضی از مردم مهم‌ترین عوامل موثر بر وقوع ناامنی و درگیری در منطقه هستند. احیای شیوه‌های سنتی تولید امنیت در قالب نهادسازی جدید، به عنوان موثرترین روش کنترل درگیری‌های جمعی در منطقه جنوب کرمان پیشنهاد می‌گردد.

مبانی نظری

ویژگی‌های جغرافیایی هر منطقه به ویژه آب و هوا، سردی و گرمی، کیفیت ظاهری محیط پیرامون و محل واقع شدن منطقه در نقشه جغرافیایی اهمیت زیادی در وقوع نزاع‌ها و به خصوص قتل‌ها دارد.

منطقه جنوب استان کرمان: شامل ۴ شهرستان اصلی جیرفت، عنبرآباد، کهنوچ و رودبار جنوب است، که در نیمه جنوبی استان کرمان واقع شده‌اند. این منطقه از سمت شرق با



ایران‌شهر، خاش و زاهدان و از جنوب با میناب و هرمزگان و از غرب با حاجی آباد و ارزوئیه و از شمال با بخش شمالی استان کرمان همسایه است (پایدار، ۱۳۹۳: ۵۳).

یافته‌های تحقیق

- توارث و وراثت: مکتب تحقیقی به رهبری لمبروزو برای اولین بار مسئله‌ی اثر توارث در به وجود آمدن جانی مادر زاد را مطرح نمود وی در کتاب «انسان جنایت کار» وجود یک نوع بزه‌کاری فطری را اعلام نمود که حالت وی از نیا و گذشتگان وی به ارث رسیده است (اردبیلی، ۱۳۹۳، جلد اول: ۷۳).

در واقع وی معتقد است که وارث اثر مستقیم داشته و باعث می‌شود فرد با آنچنان خصوصیات جسمانی، روانی و اخلاقی متولد شود که قدرت هماهنگی و انطباق با زندگی اجتماعی را نداشته باشد.

یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که امروزه طرفداران ارثی بودن تبهکاری به آن تمسک بسته و نتایج حاصله از تحقیقات خود را به عنوان دلیل معرفی می‌نمایند، مطالعه و مقایسه چندین نسل یک خانواده منحرف و بزه‌کار با خانواده بهنجار و غیر بزه‌کار می‌باشد بدین معنا که، اگر شجره نامه افراد بزه‌کار امروزی را مورد بررسی قرار دهیم متوجه می‌شویم که تبهکاری محصول انحراف و فساد وراثت می‌باشد و درستی، سلامت و شرافت خانواده ثمره پاک‌ی و تقوای نسل است که از قانون وراثت تبعیت می‌کند (کی‌نیا، ۱۳۶۹: ۱۰۲).

- کروموزوم: به معنی جسم رنگین می‌باشد که عنصر اصلی هر سلول است و تعداد آن‌ها در هر سلول ۲۳ جفت یا ۴۶ جفت عدد می‌باشد.

نحوه قرار گرفتن و ترکیب کروموزوم‌ها نقشی اساسی در بزه‌کاری و یا عدم بزه‌کاری دارد. نقصان در نحوه قرار گرفتن آن‌ها به سه شکل بروز می‌کند: سندروم داون، کمبود کروموزوم جنسی، کروموزوم اضافی.

سندروم داون: اختلال در ترکیب کروموزوم‌های جفت بیست و یکم؛ عارضه‌ای ایجاد می‌نماید که آن را سندروم داون می‌نامند و سبب عدم تعادل اخلاقی و عقب ماندگی هوش در فرد مبتلا می‌شود.

کمبود کروموزوم جنسی: این کمبود در - بیست و سومین - جفت کروموزوم‌ها رخ می‌دهد و سبب ناراحتی و عدم تعادل روانی کودک می‌شود. این مشکل تنها در دختران وجود داشته که سبب کوتاه شدن قد وی و انجام حرکات کودکانه می‌شود. اما در پسران





این نقص به هیچ عنوان وجود ندارد و در صورت وجود، طفل زنده نمی ماند. کروموزوم اضافی: که به صورت کروموزوم اضافی X و کروموزوم اضافی Y نمود پیدا می کند.

کروموزوم اضافی X در نزد زنان سبب کوتاه خردی و ناهنجاری شده و ممکن است موجب بروز جنایت گردد و در خصوص مردان به شکل قد بسیار کوتاه، ضعف جسمی، عدم تظاهر حالت بلوغ و عقیم ماندن نمود پیدا می کند که دارای تمایلات نابهنجار و اختلالات دماغی و کشش های بزه کارانه می باشد. مبتلایان به این بیماری بیشتر مرتکب قتل و آدمکشی و جرائم جنسی می شوند.

کروموزوم اضافی Y که مخصوص آقایان می باشد سبب عدم تعادل رفتاری شده که مطالعات انجام شده نشان دهنده این نابهنجاری و ارتکاب رفتارهای مجرمانه دارد (نجفی توانا، ۱۳۹۳: ۱۸۶).

اعتیاد: مشکل اعتیاد و اثرات فردی و اجتماعی آن بر جسم و روان انسان و چگونگی اثر گذاری بر هنجارها، شیوهی مبارزه، پیشگیری و کنترل آن مبدل به یکی از دغدغه های فردی، خانوادگی، اجتماعی گردیده است. یکی از بارزترین انحرافات بشری که ارتباط مستقیم با پدیده بزه کاری دارو، اعتیاد می باشد.

سازمان بهداشت جهانی، ماده مخدر را اینگونه تعریف کرده است: «هر ماده ای که پس از وارد شدن به بدن بتواند بر یک یا چند عملکرد مغز تأثیر بگذارد ماده مخدر نام دارد». از مهم ترین اعتیادهای امروزی، اعتیاد به الکل و اعتیاد به مواد مخدر می باشد.

اعتیاد به الکل: الکل و مشروبات الکلی نه تنها بر روی رفتار انسان اثر منفی می گذارد بلکه اثرات آن باعث ارتکاب بسیاری از جرائم به خصوص قتل های عمدی و غیر عمدی می گردد. در واقع، دسترسی آسان به مشروبات الکلی نزد جوانان سبب ایجاد نوعی شهامت معروف به «شجاعت هلندی» می باشد.

جوانانی که تا قبل از مصرف الکل، نمی توانستند به هیچ موجود زنده ای آسیب برسانند با مصرف مشروبات الکلی و ایجاد جرات نزد آن ها سبب به وجود آمدن قتل های عمدی مکرر می شوند. در واقع انفجار روانی آنی و هیجانی حاصله از مصرف الکل با ایجاد ضرب و جرح و قتل تخلیه می گردد.

ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) اعلام می دارد: «مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آن ها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب





الاختیار بوده است. لکن چنانکه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود».

اعتیاد به مواد مخدر: مصرف مواد مخدر از جمله تریاک و حشیش به دلیل اثرات مستقیم و غیر مستقیمی که دارد، یکی از خطرناک‌ترین نوع اعتیاد تلقی می‌شود و شاید به همین دلیل آن را بلای خانمان‌سوز می‌نامند.

در واقع فرد معتاد، دیگر یک انسان با اراده‌ی آزاد نیست او زندانی است، که در اکثر اوقات برای تحصیل مواد مخدر مورد نیاز دست به بدترین و پلیدترین کارهایی می‌زند که نه تنها خود بلکه خانواده‌ی خود را نیز نابود می‌سازد. فرد معتاد جان دیگران را زمانی که به مواد مخدر نیاز دارد به خطر می‌اندازد و تحت تأثیر این نیاز، او خود را تسلیم هر نوع کاری می‌کند و حاضر به انجام هر عملی حتی قتل نیز می‌شود.

عوامل روحی و روانی

افراد مبتلا به اختلالات فکری و شعوری و یا پریشانی‌های خلقی و یا دیگر عوارض روانی بسیار شدید، قدرت سازگاری و تطبیق خود با محیط و اجتماع را نداشته و راحت‌تر از افراد معمولی، تحت تأثیر عوارض و شرایط واقع مرتکب اعمال منافی با نظم عمومی می‌گردند. در واقع این گونه افراد به دلیل زمینه روانی قبلی دارای اراده‌ی ضعیف و متزلزل و شخصیتی تلقین پذیر بوده و در برخورد با شرایط جرم‌زا زودتر از سایرین تسلیم می‌شوند. اهمیت عوامل روانی در کشاندن یک فرد به سوی بزه‌کاری انکار ناپذیر است و عاملی به شدت مستعد کننده برای ارتکاب جرائم می‌باشند. از مهم‌ترین عوامل، پارانوئید می‌باشد که فرد دارای یک حالت هذیانی است بالاخص در درک و تغییر وقایع زندگی. پارانوئید دارای حالت روحی خاص می‌باشد و حسادت، نخوت، خودپرستی، آرمان‌گرایی در بینش سیاسی و اجتماعی، فرار از اطرافیان، گوشه نشینی، بدگمانی و احساس مظلوم واقع شدن در آن‌ها به شدت به چشم می‌خورد (غفوری، ۱۳۵۹: ۸۴).

پارانوئید ممکن است منتج به ارتکاب اعمال و جرایم خطرناکی از جمله خودکشی یا دیگر کشی شود و تحت تأثیر این حالات، شخص ممکن است مبادرت به انجام اعمالی چون جرائم خشونت آمیز، ضرب و جرح، سرقت و.... فقط با هدف گرفتن انتقام از افرادی که به زعم او، وی را مورد تجاوز و تعدی قرار داده‌اند بنماید.





عوامل اجتماعی و محیطی

محیط جایی است که شخص در آن زندگی می‌کند و این محل ضمن آنکه همیشه در حال تغییر است آنچه را که در آن قرار می‌گیرد نیز متأثر می‌سازد. بدین معنا که کیفیت اثر گذاری عوامل اجتماعی و ویژگی محیط بر پدیده بزه‌کاری اثری کاملاً مسقیم دارد. اگر شرایط محیط به گونه‌ای باشد که فرد در آن با آرامش زندگی کند بزه‌کاری کم رنگ‌تر و اگر در محیط دارای تنش زندگی کند بالتبع بزه‌کاری و جرم و جنایت نیز در آن بیشتر است.

این مهم، مورد توجه مولای متقیان امام علی(ع) نیز بوده است چنانچه ایشان در خطبه ۱۳ در خصوص نقش عوامل محیط در انسان می‌فرمایند: «سرزمین شما به آب نزدیک و از آسمان دور است، عقل شما سست و افکار شما سفیهانه است پس شما نشانه‌ای برای تیر انداز و لقمه‌ای برای خورنده و صیدی برای صیاد می‌باشید».

آب و هوا

اموری که در جهان به وقوع می‌پیوندد معلول امور دیگری است که سابق بر آن نیز وجود داشته و همین امر نیز به نوبه‌ی خود می‌تواند علت تحقق وقایع دیگر آینده باشد. مکتب جغرافیایی کتله و گری قائل به تأثیر زیاد عوامل جغرافیایی در ارتکاب جرائم می‌باشند. چنانکه که در مناطق گرم در فصل گرما جرائم علیه اشخاص نیز شدت می‌یابد (اردبیلی، ۱۳۹۳، جلد اول: ۷۴).

چنانچه مشهود است در فصل تابستان، دمای هوای شهرهای جنوب استان، گاهی به ۵۰ درجه هم می‌رسد. این یکی از عواملی است که سبب پایین آمدن دامنه‌ی تاب و توان و حوصله افراد می‌گردد که حتی با یک درگیری لفظی منجر به وقوع قتل می‌شود.

محیط خانوادگی

خانواده سازمانی اجتماعی است و هر فرد در آن جایگاه ویژه دارد که همه‌ی افراد درون آن در یک رتبه نیستند (سالاری فر، ۱۳۸۹: ۶۶). در واقع خانواده به عنوان اولین واحد اجتماعی و کوچک‌ترین آن، یگانه ساختار اجتماعی با دوام و هماهنگی است که از دیرباز در زندگی بشر وجود داشته و برآورنده مهم‌ترین خواست‌های حیاتی انسان و برقرار کننده روابط اجتماعی است. ساخت و کیفیت روابط افراد تشکیل دهنده و شرایط حاکم بر آن، تأثیر انکار ناپذیری در آینده کودکان امروز و پدران و مادران فردای





جامعه خواهد داشت. انسان‌ها دارای رفتار، منش و بینش و عاداتی هستند که اساس و شالوده‌ی آن در محیط خانواده ریخته شده است. به عبارت دیگر، کانون خانوادگی، یکی از مهم‌ترین عواملی است که طرز تفکر و روش زندگی اجتماعی آینده فرد را تعیین می‌کند و سعادت یا بدبختی طفل ارتباط مستقیمی با شرایط معنوی و مادی خانواده او دارد (نجفی توانا، ۱۳۹۳: ۲۲۴).

بنابراین اگر خانواده از نظر تربیتی دچار نقصان بوده و نتواند نیازهای معنوی کودک را برآورده سازد یا اینکه کانون خانواده در اثر اطلاق و جدایی والدین از هم گسیخته شده باشد، در این صورت موقعیت خانوادگی کودک بدون شک اثر جرم‌زایی بر روی وی خواهد داشت.

آموزش

هر چند بی‌سواد نمی‌تواند عاملی تعیین‌کننده برای وقوع جرم باشد اما آمار بزه‌کاران و بررسی‌های انجام شده مبین این مطلب هستند که جمعیت کیفری افراد بی‌سواد و یا کم‌سواد به مراتب بیشتر از دارندگان مدارک عالی تحصیلی می‌باشند (موحدی، روزنامه حدیث کرمان، ۹ اسفند).

از بعد تربیتی و پرورشی در صورتی که محیط آموزشی نتواند طفل را مجذوب نموده و زمینه‌ی تحصیلی و تربیتی او را فراهم سازد و شرایط خانوادگی طفل نیز به شکلی باشد که تأمین‌کننده‌ی نیازهای مادی و معنوی او نباشد، امکان بروز اختلال در زمینه‌ی تحصیلی کودک و رفتارهایی مانند فرار از درس و مدرسه وجود خواهد داشت. که این ناهنجاری اگر چه موجب سقوط فوری طفل به بزه‌کاری نمی‌گردد اما در دراز مدت ممکن است سبب بروز ارتکاب جرائمی در زندگی اجتماعی وی شود.

عوامل فرهنگی

فرهنگ، نقش بسیار والایی در نحوه‌ی رفتارهای انسانی و روابط افراد ایفاء می‌نماید. فرهنگ غنی بزرگ‌ترین سد و مانع انحرافات و کجروی‌ها و برعکس فرهنگ نامناسب حتی در صورت وجود شرایط مادی، نه تنها از عهده‌ی هدایت افراد بر نیامده و از تأمین سعادت آن‌ها عاجز خواهد بود بلکه خود عاملی مضاعف و مخرب در این زمینه است. وجود غرورهای کاذب در میان گروه‌های جوان سبب خطرناک شدن آن‌ها نسبت به بزه‌کاری‌های فردی می‌گردد. جوانان با ایجاد تشکل‌های گروهی علاوه بر اینکه



نیازهای روحی و عاطفی خود را ارضاء می‌کنند، تحت تأثیر گروه، بدون درک موقعیت و زیر فشار حاکم بر اعضا مانند یک کودک شدیداً تحت تأثیر القانات و احساسات قرار گرفته و هدایت او با توجه به احساس قدرت ناشی از جمع به سوی اعمال بزه‌کارانه بسیار آسان‌تر است؛ لذا به نظر می‌رسد، علت اصلی انحراف رفتاری در چنین جوامعی را باید در مؤلفه‌های فرهنگی، تزلزل اخلاقیات، سستی روابط و معیارهای اصیل خانوادگی و جهش به سوی زندگی صرف مادی دانست.

نتیجه‌گیری

نظم و امنیت جزء ناگزیر و ضروری زندگی است و برقراری آن یکی از وظایف اصلی دولت بلکه اصلی‌ترین کار یک حکومت است. امنیت محقق نمی‌شود مگر با شناسایی عواملی که مخل امنیت جامعه هستند که یکی از این عوامل قتل می‌باشد. قتل از جمله آسیب‌های اجتماعی است که دیدگاه‌ها و فرضیات مختلفی پیرامون آن ارائه شده است و عده‌ای از نظریه پردازان بر این باورند که افراد هنجار شکن نقش موثری در وقوع آن دارند؛ افرادی که به دلایل مختلف نتوانستند خود را با مقتضیات اجتماعی وفق دهند، عدم تأمین نیازهای زندگی اجتماعی و فشارهایی روانی ناشی از زندگی سرمایه داری از یک سو و گرایش به مادیات و منافع شخصی برای زندگی مرفه از سوی دیگر، زمینه را برای بروز حالات خطرناک و انحرافات و ارتکاب جرائم به خصوص جوانان مستعد، آماده می‌نماید. جوانان به دلیل عدم تجربه کافی و روحیاتی که برای رسیدن به امیال خود در کوتاه‌ترین و آسان‌ترین روش دارند به سرعت دستخوش تغییرات روحی و روانی شده و دست به واکنش‌هایی می‌زنند که گاهی در نهایت با قتل رو به رو می‌شوند به نظر می‌رسد از مهم‌ترین عواملی که می‌تواند سبب تسریع در قتل‌ها شود، روحیه‌ی خام غرور کاذب جوانان به اضافه‌ی دسترسی سریع و آسان به سلاح‌های گرم بدون مجوز می‌باشد که به تازگی سبب داغدار کردن چندین خانواده در جنوب استان کرمان شده است.

پیشنهادات

هر چند که پیشگیری از جرم از اهداف اصلی نیروی پلیس است (حسامی، ۱۳۸۳: ۲۵۵). لیکن این وظیفه تا حد زیادی در اولویت فرعی و بعد از روش‌ها و تکنیک‌های واکنشی مربوط به اعمال قانون قرار گرفته است (مجموعه مقالات پلیس و پیشگیری از





جرم، ۱۰۸، ۱۳۸۷). در واقع پلیس، نقش «نهادهای اجرایی در مرحله پیش از بزه‌کاری» را ایفا می‌کند.

در مسیر جلوگیری از بروز قتل‌ها و کاهش وقوع آن‌ها باید به پویا سازی کارکردهای پلیس، اعم از پلیس قضایی و پلیس اداری، پرداخت، به ویژه پلیس اداری که در مقام پیشگیری از وقوع جرم فعال است.

«پلیس اداری یا تأمینی» یا «پلیس نظم» موظف به جلوگیری از وقوع جرم و حفظ نظم و امنیت است و «پلیس قضایی» وظیفه‌ی کشف جرم و مساعدت به دادسرا در تحقیقات مربوط به جرم را بر عهده دارد (عظیم زاده، ۱۳۸۴: ۲۱۳). در واقع، استفاده از نیروهای آموزش دیده، اثری مثبت در مبارزه با جرائم و خشونت‌ها به خصوص در مرحله‌ی قبل از وقوع جرم خواهد داشت و فراهم کردن شرایط لازم برای آموزش نیروهای پلیس تحت ساختار قضایی و حقوقی جامعه که طرز و نحوه‌ی برخورد صحیح با بزه دیده بالقوه و عامل خشونت را آموخته‌اند از نتایج سیاست جنایی است که تلاش معطوف به بازدارندگی و یافتن راه حل مسئله قبل از وقوع است. در واقع، حضور به موقع و سریع در محل، وجود پایگاه‌های پلیسی در فاصله‌های مناسب منطقه‌ای جهت دسترسی آسان و به موقع می‌تواند به نوعی از جرایم مختلف به ویژه قتل جلوگیری کند (زررخ، ۱۳۸۹: ۱۷۹).

- نوع و سطح همکاری مردم و نهادهای مدنی، یکی از امور اساسی و زیر بنایی در پیشگیری از جرم است که این طرح با عنوان «مراقبت همسایه» از آمریکا شروع شد و به عنوان قوه محرکه یا «بسیج مردمی برای پیشگیری و کنترل غیر رسمی جرم» با هدف دفاع از محلات در برابر تهدید و تجاوز از بیرون به آن‌ها، تعریف شده است و به دنبال این است تا مشارکت فعال شهروندان را به عنوان یک عضو واقعی از جامعه در امر پیشگیری از جرم، روز به روز، گسترده‌تر و عمیق‌تر نماید و هدف از ایجاد هماهنگی بین نهادهای مختلفی است که هر یک، به گونه‌ای، مسئول یکی از عوامل چندگانه جرم مانند مسکن، آموزش و تفریحات مردم بوده و یا می‌توانند با اقدام مشترک بر این عوامل تأثیر گذارند (صفاری، ۱۳۹۱: ۱۰۰).



منابع

- نهج البلاغه، دشتی، محمد. (۱۳۷۹)؛ قم، انتشارات مشهور.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۳)؛ حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ سی و پنجم، تهران، نشر میزان.
- افتخار زاده، یحیی. (۱۳۷۷)؛ پی جویی قتل، چاپ سوم، تهران، انتشارات زورا.
- پایدارکلسنگ، ابوذر. (۱۳۹۱)؛ واکاوی نقش معتمدین طوایف در تأمین امنیت پایدار مناطق جنوب استان کرمان، بنیاد نخبگان نیروهای مسلح، فرماندهی انتظامی استان کرمان، دفتر تحقیقات کاربردی.
- پرویزی، رضا. (۱۳۷۹)؛ پیشگیری وضعیتی و نقش آن در پیشگیری از قتل، تهران، معاونت آموزش ناجا.
- حسامی، سمیه. (۱۳۸۴)؛ حمایت از زنان بزه دیده خشونت خانوادگی در تحقیقات پلیسی، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۳.
- خلعتبری، عبدالحسین. (۱۳۸۶)؛ جرم یابی قتل از دیدگاه کاراگاهی، تهران، انتشارات نشرآگاه.
- زرخ، سید سجاد. (۱۳۸۹)؛ مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۵.
- سالاری فر، محمدرضا. (۱۳۸۹)؛ خشونت خانگی علیه زنان، چاپ اول، قم، نشرهاجر.
- شهید ثانی، (۱۳۹۰)؛ شرح لمعه، ترجمه حمید مسجد سرائی، جلد دهم، چاپ سوم، نشر پیام نو آور.
- شیرزاد، جلال و همکاران. (۱۳۸۷)؛ پلیس زن، علوم اجتماعی، شماره ۸ و ۷.
- صادقی، محمدهادی. (۱۳۷۶)؛ حقوق جزایی اختصاصی و جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان.
- صفاری، علی. (۱۳۹۱)؛ مقالات در جرم شناسی و کیفر شناسی، چاپ اول، تهران، نشر جنگل.
- صباحی، معین. (۱۳۹۱)؛ بررسی و تحلیل علل وقوع جرائم خشن در جنوب استان کرمان. بنیاد نخبگان نیروهای مسلح، گزارش فعالیت تحقیقاتی دوره ضرورت نخبگان، دفتر تحقیقات کاربردی کرمان.
- عظیم زاده، شادی. (۱۳۸۴)؛ پویایی جلوه‌های سیاست جنایی در حمایت از زنان بزه دیده خشونت، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۲.
- غفوری غروی، سیدحسن. (۱۳۵۹)؛ انگیزه شناسی جنایی، دانشگاه شهید بهشتی.
- غلامی، شهین. (۱۳۹۰)؛ قتل‌های ناموسی، علوم سیاسی، گزارش شماره ۲۳۰.
- کی نیا، مهدی. (۱۳۶۹)؛ مبانی جرم شناسی - جامعه شناسی جنایی - جلد دوم، دانشگاه تهران.
- نجفی توانا، علی. (۱۳۹۳)؛ جرم شناسی، چاپ هفدهم، تهران، نشر آموزش و پرورش.
- مجموعه مقالات پلیس و پیشگیری از جرم، (۱۳۸۷)؛ ترجمه محمد نسل، نشر دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- موحدی، یدالله. (۱۳۹۴)؛ روزنامه حدیث کرمان، ۱۹ اسفند.
- میرفردی، اصغر و همکاران. (۱۳۹۱)؛ گونه شناسی نزاع‌های دسته جمعی در شهرستان بوير احمد، فصلنامه‌ی پژوهش‌های انتظام اجتماعی، سال چهارم، شماره ۲.

